

به نام خدا

روانشناسی و یادگیری مشارکتی در مدارس

مولفان :

بهر روز علمی مریان

فریبا حسن زاده جوکندان

مهتاب اکبری نیا

آریا جعفری

فرزام اختیاری ناو

انتشارات شرفی

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: علمی مریان، بهروز، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور: روانشناسی و یادگیری مشارکتی در مدارس / مولفان بهروز علمی مریان،
فریبا حسن زاده جوکندان، مهتاب اکبری نیا، آریا جعفری، فرزاد اختیاری ناو.
مشخصات نشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۸۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۰-۹۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: مدارس - روانشناسی - یادگیری مشارکتی
شناسه افزوده: حسن زاده جوکندان، فریبا، ۱۳۶۴
شناسه افزوده: اکبری نیا، مهتاب، ۱۳۵۵
شناسه افزوده: جعفری، آریا، ۱۳۷۷
شناسه افزوده: اختیاری ناو، فرزاد، ۱۳۶۶
رده بندی کنگره: PN۲۱۷۶
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۱۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۲۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: روانشناسی و یادگیری مشارکتی در مدارس
مولفان: بهروز علمی مریان - فریبا حسن زاده جوکندان - مهتاب اکبری نیا
آریا جعفری - فرزاد اختیاری ناو
ناشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۸۶۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۰-۹۹-۹
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: آموزش و همکاری.....	۵
عبور از چالش ها و موانع همکاری	۸
بررسی اجمالی مشارکت های مشارکتی موفق در آموزش	۱۲
فصل دوم: ایجاد مشارکت برای یادگیری دانش آموزان.....	۱۷
اهمیت مشارکت در آموزش	۱۷
مشارکت دادن والدین و خانواده ها به عنوان شرکای آموزشی	۲۱
همکاری با سازمان های اجتماعی برای حمایت از دانش آموزان	۲۴
استفاده از مشارکت های تجاری و صنعتی برای آمادگی شغلی	۲۷
استفاده از قدرت شبکه های فارغ التحصیلان در آموزش	۳۰
مشارکت های بین المللی: ترویج شهروندی و تفاهم جهانی	۳۳
ایجاد مشارکت با مؤسسات آموزشی و دانشگاه ها	۳۶
مطالعات موردی: مشارکت های موفق برای یادگیری دانش آموزان	۳۹
فصل سوم: روش های آموزشی و یادگیری مشارکتی.....	۴۳
بررسی مدل های تدریس مشارکتی	۴۳
راهبردهای تدریس مشترک برای آموزش فراگیر	۴۷
یادگیری مبتنی بر تیم: افزایش مشارکت و پیشرفت دانش آموزان	۴۹
روش های ارزیابی مشارکتی برای بازخورد معنادار	۵۲
همکاری همتایان: ارتقای همکاری و مهارت های ارتباطی دانش آموزان	۵۶

- ۵۹.....جوامع یادگیری حرفه ای: الگویی برای همکاری معلمان
- ۶۲.....یکپارچه سازی فناوری برای تجربیات یادگیری مشارکتی
- ۶۷.....فصل چهارم: همکاری میان رشته ای برای آموزش کل نگر
- ۶۷.....ارزش همکاری بین رشته ای در آموزش
- ۷۱.....پر کردن شکاف بین موضوعات: طراحی برنامه درسی بین رشته ای
- ۷۳.....پروژه های مشارکتی و یادگیری مبتنی بر تحقیق
- ۷۷.....یکپارچه سازی STEM: تقویت ارتباطات بین رشته ای
- ۸۱.....منابع:

فصل اول

آموزش و همکاری

رهبری مشارکتی یک جنبه حیاتی از حاکمیت آموزشی است که نوید قابل توجهی برای توانمندسازی مربیان و ذینفعان در متن ایران دارد. از آنجایی که نظام آموزشی ایران دستخوش دگرگونی می شود و با چالش های متنوعی مواجه می شود، درک پویایی رهبری مشارکتی ضروری می شود. این بخش به ماهیت چندوجهی رهبری مشارکتی می پردازد و به بررسی مبانی نظری، کاربردهای عملی و راه هایی می پردازد که از طریق آن مربیان و ذینفعان را در چشم انداز آموزشی ایران توانمند می کند.

رهبری مشارکتی از چارچوب های نظری مختلفی استفاده می کند که بینش هایی را در مورد اصول و عملکردهای آن ارائه می دهد. یکی از این چارچوب ها، نظریه رهبری توزیع شده است، که بیان می کند که رهبری به نقش های رسمی محدود نمی شود، بلکه بین افراد در سطوح مختلف یک سازمان توزیع می شود (اسپیلان، ۲۰۰۶، ص ۱۱۲). در محیط آموزشی ایران، جایی که سلسله مراتب ممکن است چالش هایی را برای همکاری ایجاد کند، درک رهبری به عنوان یک مسئولیت مشترک بسیار مهم است (حسینی و قریشی، ۲۰۱۹، ص ۸۸).

علاوه بر این، نظریه رهبری تحول آفرین بر انگیزه الهام بخش و تحریک فکری به عنوان مؤلفه های کلیدی رهبری مؤثر تأکید می کند (Bas & Riggio, 2006, ص ۷۸). در

ایران، جایی که ارزش‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های جمعی بر پویایی رهبری تأثیر می‌گذارند، کاوش رهبری مشارکتی از دریچه رهبری تحول‌آفرین، درک دقیقی از تأثیر بالقوه آن ارائه می‌کند (مالکی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸).

رهبری مشارکتی در نظام آموزشی ایران از طریق کاربردهای عملی که تصمیم‌گیری مشترک، ارتباطات باز و فرهنگ اعتماد را ترویج می‌کند، آشکار می‌شود. مدیران مدارس به عنوان رهبران کلیدی در این زمینه، با مشارکت دادن معلمان، والدین و اعضای جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری، نقش محوری در پرورش رهبری مشارکتی ایفا می‌کنند (عباسی و غلامزاده، ۲۰۲۱، ص ۱۷۵).

علاوه بر این، رهبری مشارکتی فراتر از سطح مدرسه به سیاست‌گذاری آموزشی گسترش می‌یابد، جایی که مقامات دولتی و ذینفعان برای تدوین سیاست‌هایی که نیازهای متنوع نظام آموزشی ایران را برآورده می‌کند، همکاری می‌کنند (موحدی و شریف زاده، ۲۰۱۷، ص ۱۱۲). اجرای شیوه‌های رهبری مشارکتی در سطوح مختلف، اثربخشی حاکمیت آموزشی را افزایش می‌دهد و به توانمندسازی مربیان و ذینفعان کمک می‌کند.

یکی از نتایج اولیه رهبری مشارکتی، توانمندسازی مربیان است. هنگامی که معلمان به طور فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دارند، احساس مالکیت و کارآمدی حرفه‌ای آنها افزایش می‌یابد (اکبری و ملکی، ۱۳۹۱، ص ۴۷). این توانمندسازی بیشتر از طریق طرح‌های توسعه حرفه‌ای مشترک تسهیل می‌شود، جایی که مربیان به طور جمعی درگیر یادگیری مستمر و به اشتراک گذاشتن تخصص می‌شوند (رستمی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۴۸).

علاوه بر این، رویکرد مشارکتی به رهبری، فرهنگ مربیگری و حمایت از همتایان را در بین مربیان تشویق می‌کند (خسروی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵۸). از طریق شیوه‌های رهبری مشارکتی، مربیان در ایران این اختیار را پیدا می‌کنند که به بهبود روش‌های تدریس، طراحی برنامه درسی و کیفیت کلی آموزشی کمک کنند.

رهبری مشارکتی تأثیر خود را فراتر از مربیان برای توانمندسازی ذینفعان مختلف از جمله والدین، اعضای جامعه و سیاست گذاران گسترش می دهد. مشارکت دادن والدین در فرآیندهای تصمیم گیری باعث ایجاد حس مشارکت بین مدرسه و خانواده می شود و محیط آموزشی حمایتی را پرورش می دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۲). مشارکت جامعه از طریق رهبری مشارکتی، ارتباط آموزش با نیازهای محلی را افزایش می دهد و بافت اجتماعی جامعه ایران را تقویت می کند (موحدی و شریف زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۱۵).

علاوه بر این، شیوه‌های رهبری مشارکتی در سیاست‌گذاری تضمین می‌کند که دیدگاه‌های متنوع در نظر گرفته می‌شوند و منجر به سیاست‌های آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر می‌شوند (عباسی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۷۰). توانمندسازی ذینفعان از طریق رهبری مشارکتی به ایجاد چشم‌اندازی مشترک برای آموزش در ایران کمک می‌کند و تلاش‌های بازیگران مختلف را در جهت اهداف مشترک همسو می‌کند.

علیرغم مزایای بالقوه ای که دارد، اجرای رهبری مشارکتی در بستر آموزشی ایران بدون چالش نیست. موانع بوروکراتیک، مقاومت در برابر تغییر و عوامل فرهنگی ممکن است مانع اتخاذ شیوه های رهبری مشارکتی شوند (قریشی و زالی، ۲۰۱۶، ص ۲۲۵). غلبه بر این چالش ها مستلزم برنامه ریزی استراتژیک، توسعه حرفه ای و تعهد به پرورش فرهنگ مشارکتی در موسسات آموزشی است.

با این حال، چالش ها با فرصت هایی برای رشد و بهبود همراه است. تحقیقات نشان می‌دهد که اجرای موفقیت‌آمیز رهبری مشارکتی می‌تواند منجر به بهبود نتایج دانش‌آموزان، افزایش رضایت شغلی در بین مربیان و سیستم آموزشی انعطاف‌پذیرتر و سازگارتر شود (فرج‌اللهی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۱۸). پذیرش این فرصت ها مستلزم تلاشی هماهنگ از سوی رهبران آموزشی، سیاست گذاران و ذینفعان برای تقویت روحیه مشارکتی در نظام آموزشی ایران است.

رهبری مشارکتی به عنوان یک نیروی دگرگون کننده در بافت آموزشی ایران ظاهر می شود و مربیان و ذینفعان را برای کمک به ارتقای سیستم آموزشی توانمند می کند. مبانی نظری رهبری مشارکتی که ریشه در تئوری های رهبری توزیع شده و تحول آفرین دارد، چارچوبی مفهومی برای درک اصول آن فراهم می کند. کاربردهای عملی در سطوح مدرسه و سیاست گذاری، تأثیر محسوس رهبری مشارکتی بر حاکمیت آموزشی در ایران را به نمایش می گذارد.

توانمندسازی مربیان از طریق تصمیم گیری مشترک و ابتکارات توسعه حرفه ای به نیروی آموزشی پر جنب و جوش تر و مؤثرتر کمک می کند. همزمان، توانمندسازی ذینفعان، از جمله والدین، اعضای جامعه و سیاستگذاران، شبکه ای مشارکتی ایجاد می کند که تلاش ها را در جهت اهداف آموزشی مشترک همسو می کند.

در حالی که چالش هایی در اجرای رهبری مشارکتی وجود دارد، مزایای بالقوه برای سیستم آموزشی ایران قابل توجه است. غلبه بر این چالش ها مستلزم تلاشی استراتژیک و هماهنگ برای ایجاد فرهنگ مشارکتی در موسسات آموزشی است. پذیرش فرصت های رشد و بهبود ارائه شده توسط رهبری مشارکتی، ایران را در مسیری به سوی یک سیستم آموزشی فراگیرتر، انعطاف پذیرتر و توانمندتر قرار می دهد.

عبور از چالش ها و موانع همکاری

همکاری در بستر آموزشی ایران مملو از چالش ها و موانعی است که نیاز به کاوشی ظریف برای ابداع راهبردهای مؤثر برای غلبه بر آنها دارد. این بخش به موانع چند وجهی می پردازد که مانع همکاری میان ذینفعان مختلف در آموزش و پرورش در ایران می شود. با درک این چالش ها، مربیان، سیاستگذاران و محققان می توانند برای ایجاد راه حل هایی که محیط مساعدتری را برای همکاری مؤثر ایجاد می کنند، با هم همکاری کنند. این گفتمان دانشگاهی به بررسی ادبیات موجود در مورد چالش ها و موانع همکاری در ایران می پردازد و بینش هایی را در مورد پیچیدگی های چشم انداز آموزشی ارائه می دهد.

چالش‌های ساختاری در سیستم آموزشی ایران به طور قابل توجهی بر همکاری بین ذینفعان تأثیر می‌گذارد. پیچیدگی‌های بوروکراتیک، همانطور که رویه‌های اداری سفت و سخت و ساختارهای سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد، مانع تبادل سیال ایده‌ها و تصمیم‌گیری مشترک می‌شود (عباسی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۶۷). ماهیت تصمیم‌گیری از بالا به پایین اغلب ورودی معلمان و مدیران محلی را به حاشیه می‌برد و مانعی برای همکاری معنادار ایجاد می‌کند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۸۹).

علاوه بر این، تخصیص منابع در سیستم آموزشی نابرابر است و به نابرابری بین مدارس کمک می‌کند و مانع از تلاش‌های مشترک با هدف اشتراک منابع می‌شود (منصوری و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸). این چالش‌های ساختاری نیازمند اصلاحات جامع برای ایجاد یک محیط آموزشی انعطاف‌پذیرتر و عادلانه‌تر است که همکاری را تسهیل می‌کند.

عوامل فرهنگی نقش اساسی در شکل دادن به همکاری در ایران دارند. در حالی که جمع‌گرایی عمیقاً در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است، برخی از محیط‌های آموزشی ممکن است هنوز عناصر فردگرایی را نشان دهند و به عنوان مانعی برای همکاری مؤثر عمل کنند (محمدی و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۳۳۴). غلبه بر این موانع فرهنگی مستلزم درک دقیق تفاوت‌های فرهنگی است که بر همکاری بین مربیان، والدین و سیاست‌گذاران تأثیر می‌گذارد.

بعلاوه، انگ فرهنگی مرتبط با کمک‌طلبی یا پذیرش چالش‌ها ممکن است مانع از ارتباط باز و مانع حل مشارکتی مشکل شود. پرداختن به این عوامل فرهنگی برای پرورش فرهنگ مشارکتی که به تلاش‌های جمعی در غلبه بر چالش‌های آموزشی ارزش می‌دهد، ضروری است.

همکاری مؤثر بر توسعه حرفه‌ای مستمر مربیان متکی است. با این حال، در دسترس بودن فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مرتبط و با کیفیت بالا در ایران محدود است (رستمی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۴۵). معلمان اغلب به برنامه‌های آموزشی که مهارت‌های

مشارکتی را ارتقا می‌دهند، دسترسی ندارند و مانع از توانایی آنها برای مشارکت در شیوه‌های مشارکتی معنادار می‌شود.

علاوه بر این، فقدان یک رویکرد سیستماتیک برای توسعه حرفه‌ای در همکاری ممکن است منجر به تلاش‌های پراکنده شود که در رفع نیازهای خاص مربیان شکست می‌خورد (مالکی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸). برای عبور از این چالش، یک رویکرد جامع و فراگیر برای توسعه حرفه‌ای باید با تمرکز بر ایجاد مهارت‌های مشارکتی و پرورش فرهنگ یادگیری مستمر اجرا شود.

در عصر دیجیتالی فزاینده، ادغام فناوری در آموزش هم یک فرصت و هم یک چالش است. در حالی که فناوری پتانسیل تسهیل همکاری را دارد، نابرابری در دسترسی به فناوری ممکن است نابرابری‌های موجود در میان مدارس را تشدید کند. شکاف دیجیتال مانع قابل توجهی برای ابتکارات مشارکتی ایجاد می‌کند، زیرا برخی از مربیان ممکن است برای اتخاذ و اجرای شیوه‌های مشارکتی مبتنی بر فناوری تلاش کنند.

علاوه بر این، مسائل مربوط به سواد دیجیتال و امنیت سایبری ممکن است مانع از ادغام یکپارچه فناوری در تلاش‌های آموزشی مشترک شود (خسروی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵۶). پرداختن به این موانع تکنولوژیک نیازمند برنامه ریزی استراتژیک، سرمایه‌گذاری و آموزش برای اطمینان از دسترسی عادلانه و مهارت در استفاده از ابزارهای دیجیتال برای همکاری است.

ایران از نظر زبانی کشوری متنوع است و موانع زبانی می‌تواند مانع از برقراری ارتباط و همکاری مؤثر در آموزش شود. در حالی که زبان فارسی زبان رسمی است، اقلیت‌های قومی و زبانی ممکن است در بیان دیدگاه‌های خود و مشارکت در تلاش‌های مشترک با چالش‌هایی مواجه شوند (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص ۷۸). فقدان تنوع زبانی در مواد آموزشی و بسترهای ارتباطی این موضوع را تشدید می‌کند.

علاوه بر این، تسلط محدود در زبان‌های خارجی، به ویژه انگلیسی، ممکن است مانع دسترسی مربیان به شبکه‌ها و منابع بین‌المللی مشترک شود (داوودی و همکاران،

۲۰۲۱، ص ۹۲). غلبه بر چالش های زبانی و ارتباطی نیازمند تلاش های هدفمند برای ارتقای تنوع زبانی، بهبود مهارت زبانی و ایجاد بسترهای فراگیر برای همکاری است.

مقاومت در برابر تغییر در موسسات آموزشی می تواند مانع مهمی برای همکاری باشد. اینرسی نهادی، ناشی از بی میلی به انحراف از هنجارها و رویه های تثبیت شده، ممکن است مانع اتخاذ رویکردهای مشارکتی شود (رضایی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۳۴). معلمان و مدیرانی که به روش های سنتی تدریس عادت کرده اند ممکن است در برابر تغییرات آموزشی مشارکتی مقاومت کنند و مانع پیشرفت شوند.

علاوه بر این، فقدان انگیزه ها و به رسمیت شناختن تلاش های مشترک ممکن است مربیان را از مشارکت فعالانه در شیوه های مشارکتی منصرف کند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۶). غلبه بر مقاومت نهادی مستلزم یک رویکرد استراتژیک است که شامل ارتباطات واضح، مشوق های همکاری و انتقال تدریجی به سمت یک الگوی آموزشی مشارکتی تر است.

عبور از چالش ها و موانع همکاری در چشم انداز آموزشی ایران، تلاشی پیچیده است که نیازمند رویکردی چند وجهی است. چالش های ساختاری در سیستم آموزشی، عوامل فرهنگی مؤثر بر همکاری، فرصت های توسعه حرفه ای محدود، موانع فناوری، چالش های زبانی و ارتباطی، و مقاومت نهادی در برابر تغییر، همگی به پیچیدگی های تلاش های مشترک کمک می کنند.

پرداختن به این چالش ها مستلزم تلاشی هماهنگ از سوی مربیان، سیاست گذاران و محققان برای پرورش فرهنگ مشارکتی است که فراتر از محدودیت های ساختاری، فرهنگی و نهادی است. با درک تفاوت های ظریف این چالش ها و توسعه استراتژی های هدفمند، نظام آموزشی ایران می تواند راه را برای همکاری مؤثری که کیفیت و تأثیر کلی آموزش را افزایش می دهد، هموار کند.

بررسی اجمالی مشارکت های مشارکتی موفق در آموزش

ایجاد و تداوم مشارکت های موفق مشترک برای ارتقای چشم انداز آموزشی در ایران اساسی است. در این بخش، به تجزیه و تحلیل عمیق جنبه های مختلفی می پردازیم که به موفقیت مشارکت های مشارکتی در سیستم آموزشی ایران کمک می کنند. با بررسی ویژگی ها، ساختارها و پویایی های همکاری های موفق، هدف ما ارائه بینشی است که می تواند به سیاست گذاران آموزشی، مدیران و ذینفعان در زمینه تقویت مشارکت های مؤثر به نفع جامعه آموزشی گسترده تر اطلاع دهد.

مشارکت های مشترک موفق در آموزش و پرورش ایران ویژگی های متمایزی را نشان می دهد که آنها را متمایز می کند. یک ویژگی کلیدی وجود اهداف و مقاصد مشترک در میان نهادهای همکار است. تحقیقات نشان می دهد که مشارکت هایی که بر اساس یک چشم انداز مشترک ایجاد شده اند، به احتمال زیاد رشد می کنند و نتایج مثبتی به همراه دارند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۱۱۲). همسویی اهداف تضمین می کند که همه ذینفعان در جهت یک هدف واحد کار می کنند و حس انسجام و هم افزایی را در چارچوب همکاری ایجاد می کنند.

ارتباط مؤثر یکی دیگر از ویژگی های مهم مشارکت موفق است. کانال های ارتباطی باز و شفاف، تبادل ایده ها، اطلاعات و بازخورد را تسهیل می کند و جو اعتماد و درک متقابل را تقویت می کند (فرهادی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۸). این جنبه به ویژه در زمینه سیستم آموزشی ایران مرتبط می شود، جایی که ارتباطات مؤثر می تواند شکاف های فرهنگی و سازمانی را که در غیر این صورت ممکن است مانع همکاری شود، پر کند.

علاوه بر این، سازگاری و انعطاف پذیری از ویژگی های جدایی ناپذیر همکاری های موفق هستند. مشارکت های آموزشی در ایران اغلب در زمینه های پویا و در حال تحول عمل می کنند و توانایی انطباق با شرایط متغیر، طول عمر و ارتباط ابتکارات مشارکتی را تضمین می کند (سرمدی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۴۵). شناخت و پذیرش تغییر به عنوان

بخشی طبیعی از فرآیند مشارکتی به انعطاف پذیری و پایداری مشارکت ها در طول زمان کمک می کند.

ساختارهایی که زیربنای مشارکت‌های موفق مشارکتی در آموزش و پرورش ایران است، متنوع است و ماهیت چندوجهی اکوسیستم‌های آموزشی را منعکس می‌کند. یکی از مدل‌های رایج، ایجاد شبکه‌ها و کنسرسیوم‌های رسمی است که در آن مؤسسات آموزشی، ارگان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی برای رسیدگی به چالش‌های مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۲۱). این ساختارهای رسمی چارچوبی برای تلاش‌های هماهنگ، اشتراک منابع و تجمع تخصص فراهم می‌کنند.

علاوه بر این، همکاری‌های موفق اغلب شامل فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی می‌شود. مشارکت دادن سهامداران در تصمیم‌گیری، مالکیت و تعهد را افزایش می‌دهد و احساس مسئولیت را در بین همه شرکت‌کنندگان تقویت می‌کند (رحیمیان و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱۳۴). این رویکرد مشارکتی در بافت فرهنگی ایران، جایی که تصمیم‌گیری جمعی ارزش دارد، حیاتی است.

علاوه بر این، مشارکت‌های موفق ممکن است از مدل‌های ترکیبی استفاده کنند که عناصر رسمی و غیررسمی را ترکیب می‌کنند. همکاری‌های غیررسمی، مانند جوامع تمرین و شبکه‌های معلمان، نقش مهمی در تقویت ابتکارات مردمی و تسهیل همکاری‌های پایین به بالا دارند (عباس زاده و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۹۸). ادغام ساختارهای رسمی و غیررسمی چارچوب جامعی را ایجاد می‌کند که به نیازهای متنوع جامعه آموزشی می‌پردازد.

پویایی مشارکت‌های موفق مشارکتی در آموزش و پرورش ایران توسط تعاملات، روابط و فرآیندهای مشارکتی بین ذینفعان شکل می‌گیرد. اعتماد یک پویایی اساسی است که زمینه ساز همکاری‌های موثر است. در بافت فرهنگی ایران، جایی که روابط بین فردی از ارزش بالایی برخوردار است، ایجاد اعتماد برای موفقیت ابتکارات مشارکتی بسیار مهم

است (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۷). ایجاد اعتماد مستلزم شفافیت، قابلیت اطمینان و تعهد به ارزش های مشترک است.

یادگیری مشارکتی و اشتراک دانش فرآیندهای پویایی هستند که به موفقیت مشارکت ها کمک می کنند. همکاری های موفق در آموزش و پرورش ایران فرهنگ یادگیری مستمر را در بر می گیرد که در آن دانش به اشتراک گذاشته می شود، انتشار می یابد و به طور جمعی برای رسیدگی به چالش های آموزشی به کار می رود (پورحسین گیلکجانی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). این پویایی بهبود مستمر تضمین می کند که مشارکت های مشارکتی پاسخگوی نیازهای در حال تکامل سیستم آموزشی باقی می ماند.

علاوه بر این، نقش رهبری در شکل دهی به پویایی مشارکت های موفق را نمی توان نادیده گرفت. رهبری تحول آفرین، که با انگیزه الهام بخش و تحریک فکری مشخص می شود، به عنوان یک کاتالیزور برای تقویت پویایی مثبت در ابتکارات مشارکتی شناسایی شده است (کشاوری، ۱۳۹۶، ص ۵۶). رهبری مؤثر، نوآوری را تشویق می کند، ذهنیت مشارکتی را ترویج می کند و پیچیدگی های تلاش های مشترک را هدایت می کند.

مروری بر مشارکت های موفق مشارکتی در آموزش و پرورش ایران، بینش های ارزشمندی را در مورد ویژگی ها، ساختارها و پویایی هایی که به اثربخشی آن ها کمک می کند، ارائه می دهد. اهداف مشترک، ارتباط مؤثر، سازگاری و اعتماد ویژگی های کلیدی هستند که پایه و اساس همکاری های موفق را تشکیل می دهند. شبکه های رسمی، تصمیم گیری مشارکتی و مدل های ترکیبی عناصر ساختاری هستند که تلاش های هماهنگ و اشتراک منابع را تسهیل می کنند. اعتماد، یادگیری مشارکتی و پویایی رهبری، تعاملات و روابط را در مشارکت های موفق شکل می دهد.

همانطور که ذینفعان آموزشی در ایران به دنبال کردن پیچیدگی های چشم انداز آموزشی در حال تحول ادامه می دهند، درک عناصری که به مشارکت های مشترک موفق کمک می کنند ضروری می شود. با استفاده از این بینش ها، سیاست گذاران، مدیران و مربیان

می توانند فرهنگ مشارکتی را پرورش دهند که کیفیت و اثربخشی کلی نظام آموزشی ایران را افزایش می دهد.